

A Model for Police Crime Prevention Management with an Intelligence-based Approach in Iran

Ebrahim Davoudi Dehaghani¹

Abstract

Background and Aim: The adoption of an intelligence-oriented approach enables managers to organize the duties of various units more consciously, exercise more effective monitoring and control, and ultimately guide preventive activities across operational domains more intelligently. At present, however, no indigenous, codified model exists in the Islamic Republic of Iran on this subject; most measures are still implemented through traditional procedures and internal regulations. Accordingly, this study sought to develop an indigenous, codified model of police crime prevention management with an information-oriented approach in Iran.

Method: The study is developmental–applied in purpose and descriptive in nature. The qualitative sample comprised experts and specialists in police prevention and information-oriented approaches from the Ministry of Interior, the Armed Forces General Staff, the Islamic Revolutionary Guard Corps, the Police Command, the Ministry of Defense, and the Islamic Consultative Assembly. Based on the principle of theoretical saturation, 22 individuals were interviewed. In the quantitative phase, the statistical population consisted of 89 chiefs and deputies of police branches, specialized deputies of the Police Command, and provincial police commanders and their deputies. Using Morgan’s sampling table and stratified random sampling, 73 participants were selected. Data collection in the qualitative phase employed semi-structured interviews, while in the quantitative phase a researcher-developed questionnaire was used. The questionnaire demonstrated high reliability, with a Cronbach’s alpha of 0.96, and content validity was confirmed. Qualitative data were analyzed using content analysis, while quantitative data were examined with descriptive and inferential statistics (factor analysis and one-sample t-test).

Results: The study produced a model of police crime prevention management with an information-oriented approach encompassing seven dimensions—policy-making, planning, organization, coordination, leadership and guidance, implementation, and control and evaluation—as well as 24 components. Significant differences were found between respondents’ views of the current and the desired state across all dimensions. Moreover, average scores in the desired state, projected for 2025, were above the mean.

Conclusion: The results confirm that information-oriented crime prevention management can serve as a suitable model for specialized police units. Gap analysis highlights the need for the Police Command to prioritize the dimensions of control and evaluation and coordination, given their larger gaps. Addressing these dimensions should take precedence, followed by systematic improvement across the other dimensions.

Keywords: Crime prevention, police crime prevention, intelligence -oriented approach, crime prevention management.

1. Associate Professor, Department of Strategic Management and Future Studies, Amin Police Comprehensive University, Tehran, Iran. Email: Ebrahim.davoodi@apu.ac.ir

فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی

سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

صص ۴۶-۹

الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور در ایران

ابراهیم داودی دهاقانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد اطلاعات محوری باعث شده است که مدیران، آگاهانه‌تر به ساماندهی وظایف واحدهای مختلف بپردازند، نظارت و کنترل خود را اثربخش‌تر کنند و در نهایت هوشمندانه‌تر به هدایت فعالیت‌های پیشگیرانه در حوزه‌های مختلف مأموریتی بپردازند. در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران، الگوی مدون بومی در خصوص موضوعات یادشده وجود ندارد و عمده اقدامات براساس رویه‌های سنتی و آیین-نامه‌های داخلی انجام می‌شود؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگوی مدون بومی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری در جمهوری اسلامی ایران انجام شد.

روش: روش پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی و از حیث روش و ماهیت، توصیفی است. جامعه مشارکت کنندگان کیفی شامل خبرگان و صاحب نظران حوزه پیشگیری انتظامی و اطلاعات محوری در وزارت کشور، ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران، فرماندهی انتظامی، وزارت دفاع و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بودند که براساس اصل اشباع نظری به ۲۲ نفر رسید. در بخش کمی، جامعه آماری شامل رؤسا و جانشینان پلیس‌ها و معاونت‌های تخصصی فرماندهی انتظامی و فرماندهان انتظامی استان‌ها و جانشینان آن‌ها به تعداد ۸۹ نفر بودند که براساس جدول مورگان و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به صورت تصادفی ۷۳ نفر انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شد و در بخش کمی نیز از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. میانگین پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد، همچنین برای سنجش روایی نیز از روایی محتوا استفاده شد که یافته‌ها بیانگر پایا و روابودن ابزار اندازه‌گیری است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کیفی با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و در بخش کمی با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (تحلیل عاملی و تی تک نمونه‌ای) انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، نشان‌گر الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری در هفت بُعد «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا و کنترل و ارزیابی» و همچنین ۲۴ مؤلفه است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در همه ابعاد الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری، بین میانگین نظرات پاسخگویان در وضع موجود و مطلوب تفاوت معناداری وجود دارد؛ به نحوی که میانگین نمرات در وضع مطلوب و در افق ۱۴۰۴ بالاتر از حد متوسط است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر مؤید این مهم بود که مدیریت پیشگیری انتظامی اطلاعات محور می‌تواند به‌عنوان الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی در پلیس‌های تخصصی به کارگیری شود. با توجه به یافته‌های تحلیل شکاف، لازم است فرماندهی انتظامی بر همه ابعاد به خصوص بُعد کنترل و ارزیابی و بُعد هماهنگی به دلیل شکاف بیشتر تأکید کند؛ بنابراین، با توجه به اینکه شکاف در وضع موجود و مطلوب این دو بُعد نسبت به بقیه ابعاد بیشتر است لازم است ابتدا شکاف بین وضع موجود و مطلوب این دو بُعد اصلاح شود و سپس با بررسی و پیگیری‌های لازم، وضعیت سایر ابعاد نیز ارتقاء یابد.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری از جرم، پیشگیری انتظامی از جرم، رویکرد اطلاعات محوری، مدیریت پیشگیری از جرم.

استناد: داودی دهاقانی، ابراهیم. (۱۴۰۴). الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور در ایران، فصلنامه

پژوهش‌های مدیریت انتظامی ۲۰(۱)، صص ۴۶-۹

Doi: <https://doi.org/10.22034/pmsq.2025.1281056.1758>

مقدمه

شواهد و مستندات در خصوص روند نرخ افزایش جرائم، می‌تواند بیانگر این باشد که رویه‌های کنونی پیشگیری از جرائم نتوانسته است خواسته‌های پلیس را در تأمین پیشگیری انتظامی پایدار برآورده کند. مستند به ماده چهار قانون تشکیل فرماندهی انتظامی، مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، «پیشگیری از جرم توسط فرماندهی انتظامی به‌عنوان ضابط قوه قضائیه» جزو وظایف قانونی و ذاتی این نیرو بوده و به قابلیت‌های آن در تحقق هدف‌های پیشگیری از جرم وابسته است؛ به عبارت دیگر، این نیرو در صورت داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش نرخ جرائم - خواه پیش از وقوع جرم و خواه پس از وقوع آن - داشته باشد. در سخنان مقام معظم رهبری نیز خطاب به دستگاه‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح، معظم‌له تأکید کرده‌اند که: «باید متناسب با حجم فعالیت دشمنان، تلاش‌ها، اقدامات و نوآوری‌های مؤثری را سازمان‌دهی کرد و با حضور فعال و اشراف اطلاعاتی در بسیاری از حوزه‌ها، از یک طرف موجب ناامن شدن محیط برای مجرمان، تبهکاران و مخالفان نظام شد و از طرف دیگر، زمینه آرامش و جلب اعتماد مردم و مسئولان را فراهم کرد» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب^۱، ۱۳۸۷/۰۵/۲۳). همچنین ایشان در سخنان دیگری ویژگی فعالیت‌های اطلاعاتی کشور را بومی بودن آن‌ها برشمردند و فعالیت یک تشکیلات مقتدر، عاقل، دلسوز و برنامه‌ریز را ضامن اجرای برنامه‌های دولت و گذران زندگی توأم با امنیت و آرامش دانستند و نقش این حافظان امنیت کشور را در بی‌اثر کردن توطئه‌های گوناگون دشمن پراهمیت شمردند (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب، ۱۳۷۶/۱۰/۰۹). در حوزه انتظامی برخی فرماندهان انتظامی بر رویکرد اطلاعات محوری تأکید فراوانی داشته‌اند و معتقدند که: «مبنای قدرت در آینده داشتن اطلاعات است؛ امروز اساس قدرت در دنیا قدرت نظامی و اقتصادی نیست، علم، دانش و فناوری و اطلاعات ضامن قدرت هستند.

1. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3627>

در آینده فقط نیروی انسانی ابزار و امکانات نیست بلکه داشتن اطلاعات رمز موفقیت در انجام مأموریت‌های محوله است» (احمدی مقدم^۱، ۱۳۹۲/۱۰/۱۷).

رویکردهای مختلف پلیسی که در برنامه‌های پیشگیری از جرم نیز به شدت تأثیرگذار هستند، در ابتدا واکنشی، سپس مسئله‌محور و در ادامه به صورت جامعه‌محور تبیین شدند تا شاید بتوانند در رویارویی با جامعه جدید، راهنمای پلیس در کاهش جرائم شوند؛ اما در عمل این رویکردها نتوانستند اهداف مدنظر فرماندهان و مدیران را برآورده کنند. در نهایت مزیت استفاده از داده‌ها و اطلاعات، فرماندهان را به سمت رویکرد جدیدی به نام «رویکرد اطلاعات محوری» کشاند. برخی اندیشمندان معتقدند: «جمع‌آوری اطلاعات یک وظیفه همگانی است و گسترش فرهنگ همکاری اطلاعاتی مردم، عامل حفاظت از جامعه در برابر انواع جرم و جنایت و تهدیدات خواهد بود و همچنین پیشگیری از جرم و بازدارندگی باید مبتنی بر منابع اطلاعاتی جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها باشد». هدف رویکرد اطلاعات محوری آن است که به پلیس بگوید چگونه می‌تواند در راستای وظایف قانونی خود و ظرفیت‌های منحصر به فردی که در جامعه دارد «هوشمندانه‌تر» عمل کند. در الگوی پلیس اطلاعات محور، استفاده از اطلاعات به عنوان ابزاری مؤثر در پیشگیری از جرم مورد تأکید و تشویق قرار می‌گیرد. الگوی رویکرد اطلاعات محوری، راهکاری برای مقابله با رشد نرخ جرم است که کارایی آن در سطح بین‌المللی به مثابه یکی از الگوهای پلیسی مؤثر کاهش جرم به اثبات رسیده است (پترسون^۲، ۲۰۰۵، ۲۷). از مهم‌ترین ضرورت‌های تدوین الگوی بومی پیشگیری انتظامی با رویکرد اطلاعات محوری می‌توان به این نکته اشاره کرد که رویکرد فعلی غالب، بیشتر جنبه واکنشی و کیفری دارد و این رویکرد با رکود مواجه شده و نشانه آن افزایش تراکم جرائم در نظام‌های عدالت کیفری واکنشی است. از سوی دیگر، منابع انسانی و سازمانی نظام عدالت کیفری کشور با درخواست‌های

1. <https://www.isna.ir/news/92101709827/>

2. Peterson

شهروندان برای دریافت خدمات، تناسب لازم و کافی را ندارد؛ به نحوی که «گاهی اوقات رسیدگی به پرونده‌های قضایی آن قدر طول می‌کشد که با فرض صدور حکم به نفع دادخواه، دیگر کار از کار گذشته و از مصادیق نوشدارو پس از مرگ سهراب است» (کریمی، ۱۴۰۰، ۴۲)؛ برای عبور از دوران پرچالش کنونی، لازم است ضمن حفظ موقت رویکرد واکنشی، الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری را تدوین کند تا براساس آن بتواند منابع خود را مجدداً سازمان‌دهی کرده و اقدامات مناسبی را برای پیشگیری از جرائم برنامه‌ریزی و اجرا کند. در حال حاضر برای بهره‌گیری از رویکرد اطلاعات محوری در جمهوری اسلامی ایران در حوزه مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم، الگوی مدون علمی و مشخص وجود ندارد. همان‌طور که الگو می‌تواند ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را مشخص کرده و پیش از هرگونه اقدام عملی، تصویر نسبتاً جامعی از آن را پیش روی مسئولان قرار دهد، نداشتن الگو نیز موجب درک ناصحیح از فرایندها، کم‌توجهی به بعضی از متغیرهای کلیدی، انتخاب راهبردهای نامناسب، هدررفتن منابع، کاهش بهره‌وری و مانند آن‌ها می‌شود. نداشتن الگوی بومی مدیریت پیشگیری انتظامی اطلاعات محور از جرم برای فرماندهان، رؤسا و مدیران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را باید جزو مهم‌ترین مسائل پیش روی آنان در انجام مأموریت مهم پیشگیری از جرائم پیچیده و بدون مرز در شرایط کنونی دانست؛ بنابراین، مسئله پژوهش حاضر این است که الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری چیست و چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

یاوری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «الگوی اطلاعات محور مدیریت انتظامی بحران‌های امنیتی» و با جامعه آماری خبرگان حوزه عملیات، سازمان اطلاعات و سازمان حفاظت اطلاعات فرماندهی انتظامی، به تبیین نقش ۱۰ اصل اساسی مدیریت اطلاعات مشتمل بر «گردآوری اطلاعات»، «فراوری اطلاعات»، «ذخیره و بازیابی اطلاعات»، «امنیت اطلاعات»، «اتقان اطلاعات و منابع اطلاعاتی»، «مستندسازی»، «تحلیل اطلاعات»،

«تصمیم‌سازی مبتنی بر اطلاعات»، «انتشار اطلاعات حسب تدبیر و ملاحظات حفاظتی» و «بستر فنی» با تأکید بر اصول سه‌گانه (سرعت، دقت و صحت) در عرض مراحل زمانی مدیریت بحران‌های امنیتی (قبل، حین و پس از بحران) پرداخت.

یاوری بافقی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر رویکرد پلیس اطلاعات محور در شناسایی و کشف قاچاق سلاح و مهمات» که جامعه آماری آن کارکنان پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی استان ایلام بودند، به این نتایج رسیدند که فرضیات مطرح در پژوهش اثبات شده و در شناسایی و کشف قاچاق سلاح و مهمات تأثیرگذار می‌باشند. تجمیع بانک‌های اطلاعاتی درون و برون‌سازمانی و دسترسی واحدهای کشف جرم پلیس به این بانک‌ها، تعامل لازم با نهادهای برون‌سازمانی برای به‌دست آوردن بانک‌های اطلاعاتی آن‌ها، تأکید بر استفاده حداکثری از اطلاعات فنی و مخابراتی در انجام مأموریت‌ها از جمله پیشنهادها در راستای شناسایی و کشف این جرم است.

داودی (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «مدیریت پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس اطلاعات محور» تعاریف مدیریت پیشگیری از جرم و پلیس اطلاعات محور را تبیین کرده و پس از ارائه تاریخچه اطلاعات محوری پلیس در پیشگیری از جرم، رویکردهای پلیس در پیشگیری از جرم، از مدل‌های استاندارد پلیسی تا جدیدترین این رویکردها یعنی رویکرد پلیس اطلاعات محور را تشریح کرده است.

عزیزی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های پلیس اطلاعات محور در جرم‌یابی سرقت اماکن ناشی از سفرهای مجرمانه در ایران» که جامعه آماری آن، کارآگاهان و متخصصان جرم‌یابی بودند، به این نتیجه رسیدند که چالش‌های پلیس اطلاعات محور در جرم‌یابی سرقت‌های ناشی از سفرهای مجرمانه شامل ۶۷ مضمون پایه‌ای، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۲ مضمون فراگیر است. براین اساس، اولین مضمون فراگیر یعنی چالش‌های برون‌سازمانی شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده و چالش‌های درون‌سازمانی نیز شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است که در متن مقاله به آن‌ها پرداخته شده است.

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۵) رساله مطالعه گروهی دکتری خود با عنوان «طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم» را با هدف اصلی ترسیم الگوی بهینه مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم و اهداف فرعی ترسیم الگوی بهینه مدیریت انتظامی پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری کیفری از جرم انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، مدیران ستادی و اجرایی پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بودند. یافته‌ها نشان داد که در رابطه با اقدام‌های مرتبط با پیشگیری وضعی شش شاخص، در حوزه اقدام‌های مرتبط با پیشگیری اجتماعی پنج شاخص و در حوزه اقدام‌های مرتبط با پیشگیری کیفری سه شاخص شناسایی شد و اولویت اول آن‌ها در پیشگیری وضعی با اقدام‌های مشارکتی - تعامل پلیس، در پیشگیری اجتماعی، تعامل با نهادهای فرهنگی و در پیشگیری کیفری مربوط به اقدام‌های اطلاعاتی - امنیتی پلیس است.

نوروزی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی نظام پلیس جامعه محور با تأکید بر پیشگیری از جرم» که جامعه آماری آن را فرماندهان و مدیران عالی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهند به این نتایج رسید که در نظام پیشنهادی؛ مؤلفه‌های ساختاری، رویکردی، فردی و آموزشی پلیس فعلی با تغییر نگرش به پلیس جامعه محور، پیشگیری از جرم ارتقا می‌یابند. همچنین در نظام پیشنهادی؛ گستره محیط امنیتی در ارتباط دوسویه با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و به ترتیب با درجه اهمیت ۰/۳۰، ۰/۲۷، ۰/۲۳ و ۰/۲۰ رتبه‌بندی شدند.

جزینی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «الگوی مدیریت ستادی پیشگیری انتظامی از جرم» انجام داد که جامعه آماری آن، کارکنان صف و ستاد فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تهران بزرگ بودند و دریافت که مناسب‌ترین برنامه‌ریزی در ستاد پیشگیری از جرم فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای هدایت ستادی بر حسب زمان از نوع برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت (۱ تا ۳ سال)، بر حسب قلمرو، شامل انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و تاکتیکی توسط ستادهای واحدهای صنفی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی توسط پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ریزی

جداگانه توسط ستادهای واحدهای صفی و برنامه‌ریزی متمرکز توسط پلیس پیشگیری از جرم فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بوده و برحسب استمرار از نوع برنامه‌ریزی فصلی است. تصمیم‌گیری در ستاد پیشگیری از جرم فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای هدایت ستادی از نوع تصمیم‌گیری مشارکتی، از نظر اطمینان به نتایج حاصل از نوع تصمیم‌گیری پس از اطمینان کامل از نتایج و براساس مراحل ملاک عمل از نوع تصمیم‌های چندمرحله‌ای یا دنباله‌دار است.

کورستین^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود با عنوان «پایه‌سازی پلیس اطلاعات محور در سیستم تحلیل جنایی پلیس ملی اوکراین» نوشته‌اند که اساس تحلیل متون علمی خارجی و نشریات تخصصی، با جمع‌بندی تجربیات عملی نظام‌های پلیسی توسعه یافته جهان، به بررسی مبانی نظری و استانداردهای نهادی پرداخته است. تحلیل جنایی در سیستم پلیس، توجه بر اثبات مفهوم مدرن توسعه سیستم تجزیه و تحلیل جنایی براساس فلسفه پلیس اطلاعات محور (ILP) متمرکز است. در پلیس ملی اوکراین تجزیه و تحلیل معنی‌دار روش‌ها و ابزارهای کلیدی تجزیه و تحلیل جنایی، همچنین نوآوری‌های تحلیلگران، توسعه رویکردهای مدرن برای توسعه مؤلفه هوش تحلیلی در فعالیت‌های سازمان‌های مجری قانون، به‌طور نظام‌مند بررسی شده است.

آباهو^۲ (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان «بازاندیشی امنیت جامعه در اوگاندا: ادغام پلیس جامعه محور با پلیس اطلاعات محور» به این نتیجه رسید که مشارکت جامعه با مجریان قانون برای شناسایی تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و به اشتراک‌گذاری داده‌های جرم و حل مشکل ضروری است. پلیس اوگاندا از سال ۱۹۸۹ بر اعتمادسازی پلیس در جامعه و تأکید بر ارتباط پلیس با جامعه تمرکز کرده است، درحالی که جرم و جنایت به‌طور پیوسته بالا رفته است. پیشگیری از جرم از طریق یگان‌های دفاع محلی (LDUs) برای پشتیبانی از پلیس در رسیدگی به جرائم،

1. Korystin

2. Abaho

گشت زنی در محله‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، اتهاماتی را علیه مجریان قانون برای استفاده بیش از حد از زور، نقض حقوق بشر و دخالت در جنایت به همراه داشته است. هدف پلیس اطلاعات محور (ILP) افزایش ایمنی جامعه براساس اطلاعات تحلیل شده برای اهداف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در پیشگیری از جرم است. با استفاده از داده‌های ثانویه، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد درحالی که پلیس جامعه محور در پیشگیری از جرم ترجیح داده شده است، جمع‌آوری اطلاعات برای اهداف تحقیق و پیشگیری از جرم ناکافی است. پژوهشگر مقاله حاضر پیشنهاد می‌کند که برای کشف مؤثر، پیشگیری، مدیریت جرم و افزایش امنیت جامعه رویکرد پلیس اجتماع محور با رویکرد پلیس اطلاعات محور یکپارچه شود.

جرم و پیشگیری از جرم

جرم تهدیدی علیه امنیت و اعتماد اجتماعی است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۷). علل بروز نابهنجاری اجتماعی در جامعه، انزوای مشارکت مردمی و کناره‌گیری سازوکارهای سنتی پیشگیری از جرم است (عشایری و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۷۴). لزوم اجرایی کردن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، افزایش نرخ جرم، کاهش روزانه فضای زندان‌ها و مجازات محور بودن محاکم کیفری، از جمله مواردی است که هزینه جرم را تا اندازه‌ای با تورم روبه‌رو کرده و صرف مجازات، راهکار مناسبی برای مقابله با جرم نیست و به‌همین دلیل بیشتر صاحب‌نظران پیشگیری از جرم را پیشنهاد می‌کنند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۵، ۲۱). پیشگیری از جرم، یعنی پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای از میان بردن یا کاهش جرم است (شایگان، ۱۳۸۹، ۱۰۰). گاهی هدف پیشگیری را کاهش فرصت جرم (بیابانی، ۱۳۹۲، ۴۷) و گاهی کاهش انگیزه ارتکاب جرم و استفاده از عدالت کیفری می‌دانند (اسمعیلی و کسمایی‌پور، ۱۳۹۰، ۱۱۱). راهبرد اصلی پیشگیری از جرم، نظام برنامه‌ریزی است (اشنایدر و کیچین^۱، ۱۳۸۷، ۷۳). درنهایت، اصول پیشگیری شامل ۱- شناسایی مسئله

جرم و قانون‌گذاری؛ ۲- آسیب‌شناسی علل جرم و ۳- انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راحل‌های عملیاتی و کاربردی می‌شود (بیابانی، ۱۳۹۲، ۱۳). پیشگیری به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث دسته‌بندی می‌شوند (جزینی، ۱۳۹۱، ۱۸۴). هدف اصلی پیشگیری، کاهش احتمال وقوع بزهکاری و انحراف است (محمدنسل، ۱۳۸۷، ۳۶). هدف اصلی پیشگیری اولیه، آگاه ساختن محیط و اجتماعات عمومی نسبت به جرم، هدف پیشگیری ثانویه، اقدام برای افراد در معرض خطر بزهکاری و هدف پیشگیری ثانویه، تمرکز بر رخداد جرم، باز اصلاح بزه‌دیده و مجرمان است (براری، ۱۳۹۳، ۴۸).

پیشگیری انتظامی از جرم^۱

پیشگیری انتظامی عبارت است از: «تدابیر و اقدامات پیشگیرانه نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌هایی که به حکم قانون در این زمینه موظف هستند با هدف حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر در برابر خطر وقوع جرم، افزایش آگاهی‌های عمومی و ارائه خدمات مشاوره‌ای پیشگیرانه، نظارت و مراقبت بر اماکن عمومی و مناطق جرم‌زا و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم اقدام نمایند. به‌طور کلی می‌توان گفت پیشگیری انتظامی نوع خاصی از پیشگیری نیست و ناظر بر کلیه اقدامات پلیس در راستای پیشگیری از بزه کاری اعم از اقدام در راستای پیشگیری کیفری و یا پیشگیری غیر کیفری است» (ورویی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۱). از نگاه دیگری، پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیس در جهت حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیشگیری فرماندهی انتظامی است. پیشگیری انتظامی عموماً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی (پیش‌جنایی) توسط پلیس است و این در حالی است که وظایف سنتی پلیس عموماً دربرگیرنده اقدامات واکنشی است (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳، ۱۷۱). و در یک تعریف کلی پیشگیری انتظامی مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی پلیس است که با هدف حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن

عمومی، افزایش هزینه‌های جرم و مداخله پس از وقوع جرم برای پیشگیری از ارتکاب مجدد همان جرم انجام می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۴۵).

رویکردهای پلیسی

رویکرد استاندارد، سنتی، اقتدارگرا یا تهدیدمحور: رویکرد تهدیدمحور پلیس را موظف می‌کند تا در منطقه جغرافیایی تحت اختیارش به صورت تصادفی گشت‌زنی داشته باشد و در هنگام وقوع جرائم واکنش فوری نشان دهد؛ از سوی دیگر، در کلاتری همیشه مأمورانی برای این جرائم پرونده تشکیل می‌دهند. بر این اساس، پلیس در همه تصمیم‌گیری‌های خود و همچنین در مورد کاهش فعالیت‌های مجرمانه به دادگستری و دادگاه متکی است (ویزبوردر و اک^۱، ۲۰۰۴، ۴۹).

رویکرد داده‌محوری: دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پلیس داده‌محور^۲ به‌عنوان راهبرد مبارزه با جرم مطرح شد (نجم، ۱۳۸۷، ۱۹). این رویکرد از اداره پلیس نیویورک، در ژانویه ۱۹۹۴، در جلسات «راهبرد کنترل جرم» شروع شد. اداره پلیس نیویورک این رویکرد را با هدف اصلی پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری میان ۷۶ نفر از فرماندهان پلیس آن شهر اجرا کرد (ماگرز^۳، ۲۰۰۴، ۷۳). بر این اساس، جرائم اصلی این شهر، در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، با استفاده از این فرایند به نصف کاهش یافت. داده‌محوری بر این اصل استوار است که پلیس با کنترل جرائم جدی^۴ بهتر خواهد توانست نظم را حفظ کرده و در سایه رشد امنیت عمومی سایر مشکلات دیگر را نیز حل کند. در نهایت، مدیران پلیس در برابر عملکرد خود، که براساس این داده‌ها سنجیده می‌شود مسئول دانسته می‌شوند (والش^۵، ۲۰۰۱، ۳۵۹).

1. Weisburd & Eck

۲. در متون ترجمه‌شده معادل‌های متفاوتی را برای این رویکرد پیشنهاد کرده‌اند که عبارت‌اند از مقایسه آمار رایانه‌ای، آمار رایانه‌ای و کامپیستات.

3. Magers

4. Serious crimes

5. Walsh

رویکرد مسئله‌محوری^۱: رویکرد حل مسئله در پیشگیری از جرم می‌تواند به‌عنوان رویکردی سیستمی به پیشگیری از جرم تعریف شود که شامل شناسایی و تحلیل جرم بالفعل یا بالقوه شده و منجر به اجرای تدابیری برای کاهش یا پیشگیری از جرم شود. (مک‌کی و همکاران^۲، ۲۰۰۴). از منظر اک^۳ (۲۰۰۶، ۱۱۸-۱۱۹) رویکرد مسئله‌محور از سه اصل تکرار جرم؛ اصل هنجاری و اصل علمی تشکیل شده است. رویکرد مسئله‌محور، فراتر از عکس‌العمل ساده به حوادث گزارش شده به پلیس بوده و شامل فرایند شناسایی، تحلیل و عکس‌العمل در قبال مسئله و ارزیابی و تنظیم عکس‌العمل می‌شود (براگا، ویزبور^۴، ۲۰۰۶، ۱۳۳).

رویکرد جامعه‌محوری: در رویکرد جامعه‌محوری پلیس، به جامعه نزدیک بوده، دلواپسی‌های آنان را از طریق برخوردهای روزانه می‌شناسد و در مقابله با آن‌ها در جهت تمایلات جامعه اقدام می‌کند (فیلدینگ^۵، ۲۰۰۵، ۴۶۰). بنابراین، بدیهی است رویکرد جامعه‌محوری، سطح بالایی از همکاری و ثبات میان جامعه و پلیس را در بردارد. اسکوگان^۶ (۲۰۰۶، ۲۷) معتقد است رویکرد جامعه‌محوری پلیس، بر این فرض استوار است که پیشگیری از ارتکاب جرم تأثیرگذارتر خواهد بود اگر به‌صورت تلاشی مشترک میان پلیس و جامعه نگریسته شود. ماستروفسکی^۷ (۲۰۰۶) به کمبدهای رویکرد جامعه‌محوری پلیس اشاره می‌کند. این کمبود، ضعف اجرایی در اقدامات ایجاد رابطه میان پلیس و جامعه اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که راهبردهای رویکرد

1. problem-oriented policing

2. Makkai

3. Eck

4. Braga & Weisburd

5. Fielding

6. Skogan

7. Mastrofski

جامعه محوری پلیس، در کاهش ترس از ارتکاب جرم کارآمدتر است تا کاهش ارتکاب جرم و بی‌نظمی. توفیق در اجرای رویکرد جامعه‌محوری مستلزم حضور مشهود پلیس در جامعه، اطلاع‌رسانی به مردم، عمل به‌عنوان الگو و مربی، حمایت از بزه‌دیدگان، و کمک به شکل‌گیری و ارتقاء مشارکت‌های پیشگیری از جرم توسط پلیس است (محمدنسل، ۱۳۸۷). برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، باید راهکارهای نهادینه کردن و رویکرد جامعه‌محوری پلیس شناسایی و در قالب یک راهبرد و برنامه مدون این تدابیر و راهکارها به مرحله اجرا گذاشته شوند (وروایی، ۱۳۸۴، ۴۶-۴۴) هرچند جامعه‌محوری دارای ابعاد وسیعی است و پژوهشگران مطالعات امنیتی و پلیسی از آن به‌عنوان یک فلسفه یاد می‌کنند (هس و میلر^۱، ۱۳۸۲، ۳۹).

رویکرد اطلاعات محوری: رویکرد اطلاعات محوری، راهبردهای مؤثر در مورد جرم و مجرمان و همچنین مسائل امنیتی مختلف را با تکیه بر آمار و اطلاعات گوناگون در اختیار سازمان پلیس و سایر نهادهای مسئول قرار می‌دهد. در این رویکرد، پلیس با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و تجزیه و تحلیل آن‌ها ضمن شناسایی و برآورد مسائل جرم و ناامنی، توزیع جغرافیایی و زمانی آن را نیز مشخص و به تصمیم‌گیران در خصوص انتخاب نوع و زمان و کیفیت اقدامات مداخله‌ای پیشگیرانه، کمک می‌کند. (محمدنسل، ۱۳۸۶، ۸۸). شاید نتوان رویکرد پلیس اطلاعات محور را رویکردی مستقل به‌شمار آورد زیرا این رویکرد می‌تواند در اختیار رویکردهای گوناگون دیگر قرار گرفته و به تحقق آن‌ها کمک کند (برودر^۲، ۲۰۰۷، ۲۰-۲۱). رویکرد به معنی روش اجرای کار برای رسیدن به هدف تعریف شده است. رویکردهای پلیسی هر از چند گاهی دستخوش تغییر می‌شود و به قول راتکلیف «هر روز راهبردهای بلندمدت و کوتاه‌مدت پلیسی در راه‌اند» (نجار، ۱۳۸۷، ۲۲). این تغییرات و مجموعه متغیرها باعث

1. Hess & Miller

2. Brodeur

می‌شوند فرماندهان و مدیران پلیس برای رسیدن به هدف ادبیات پلیسی خود را عوض کنند و در هر دورانی رویکردی متفاوت داشته باشند. ادبیاتی که در انواع پلیس مسئله‌محور، پلیس وظیفه‌محور، پلیس جامعه‌محور یا پلیس اطلاعات‌محور ظهور کرده تغییر داده است. (دی لینت^۱، ۲۰۰۳، ۳۸۱). تحول دوم که هنوز چندان تأثیرگذار نبوده معرفی مفهوم شبکه بوده که این واقعیت را نشان داده که امور پلیسی شامل عوامل زیادی است (جانستون و شیرینگ^۲، ۲۰۰۳، ۲۴؛ بیلی^۳ و شیرینگ^۳، ۲۰۰۱، ۹۷)؛ البته این تحولات مخصوص نظریات پلیسی نیستند؛ بلکه نشان‌گر تغییرات گسترده‌تری در سطح نظریات اجتماعی همچون مفهوم جامعه دانش (بوهم و استر^۴، ۱۹۸۶، ۱۹ و اریکسون، بارانک و چان^۵، ۱۹۸۷، ۴۶۷) و جامعه شبکه‌ای (کاستلز^۶، ۱۹۹۶، ۹۴) هستند. این تحولات همچنین باعث ایجاد تغییراتی در کار پلیس شده‌اند از جمله ایجاد پلیس اطلاعات‌محور و سپردن بسیاری از امور پلیسی به بخش خصوصی (ویلیامسون^۷، ۲۰۰۸، ۵۸).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و کاربردی است. همچنین از نظر ماهیت و روش، توصیفی است که به صورت آمیخته (کیفی - کمی) برای دستیابی به الگو انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه پیشگیری انتظامی و اطلاعات‌محوری در فرماندهی انتظامی، وزارت کشور، ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه

-
1. De Lint
 2. Johnston & Shearing
 3. Bayley
 4. Böhme & Stehr
 5. Ericson, Baranek & Chan
 6. Castells
 7. Williamson

پاسداران، وزارت دفاع و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بالغ بر چهل نفر بودند. تعداد مشارکت کنندگان در فرایند پژوهش براساس اصل اشباع نظری تعیین شد. در این مرحله، مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند^۱ انتخاب شدند. در این پژوهش با ۲۲ مشارکت کننده مصاحبه شد. بعد از انجام ۲۲ مصاحبه، عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه های قبلی تکرار می شد و پژوهشگر به اشباع رسید. ویژگی های علمی مصاحبه شوندگان در جدول ۱، ارائه شده است.



1. Judgemental Sampling

جدول ۱. جدول ویژگی های شرکت کنندگان در مصاحبه

ردیف	کد مصاحبه شونده ^۱	سمت / جایگاه علمی
۱	کد ۰۱	فرمانده سابق فراجا/مشاور رئیس ستاد کل /عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۲	کد ۰۲	رئیس سازمان وظیفه عمومی - رئیس سابق پلیس پیشگیری
۳	کد ۰۳	رئیس پلیس پیشگیری استان
۴	کد ۰۴	رئیس اینترپل
۵	کد ۰۵	معاون آموزش فراجا / عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۶	کد ۰۶	معاون اطلاعات وقت استان قم / عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۷	کد ۰۷	جانشین پلیس فتا فراجا
۸	کد ۰۸	معاون اجرایی پاوا
۹	کد ۰۹	رئیس مرکز تحقیقات کاربردی پاوا/ دانشجوی دکتری دفاع ملی
۱۰	کد ۱۰	ستاد کل - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۱	کد ۱۱	سابقه خدمت در فرماندهی انتظامی استان/ستاد کل و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۲	کد ۱۲	سابقه خدمت در حوزه اطلاعات / عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۳	کد ۱۳	سابقه خدمت در فرماندهی انتظامی استان/عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۴	کد ۱۴	نماینده سابق مجلس شورای اسلامی /از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۵	کد ۱۵	عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۶	کد ۱۶	عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۷	کد ۱۷	رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری
۱۸	کد ۱۸	عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
۱۹	کد ۱۹	مدیرکل در حوزه مواد مخدر

۱. نام مصاحبه شونده گان در نزد پژوهشگر محفوظ است.

۲۰	کد ۲۰	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی
۲۱	کد ۲۱	مدیرکل انتظامی امنیتی وقت وزارت کشور
۲۲	کد ۲۲	مدیرکل فناوری معاونت فناوری اطلاعات فراجا

در مرحله کمی، جامعه آماری شامل رؤسا و جانشینان پلیس‌ها و معاونت‌های تخصصی فراجا به تعداد ۲۵ نفر؛ فرماندهان انتظامی استان‌ها و جانشین آن‌ها به تعداد ۶۴ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۷۳ نفر در نظر گرفته شد. برای انتخاب نمونه‌ها (به نحوی که معرف جامعه آماری باشند)، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به صورت تصادفی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی پژوهش، مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختاریافته است. در مرحله کمی پژوهش، براساس معیارهای استخراج‌شده از مرحله کیفی به طراحی پرسش‌نامه پرداخته شد. پرسش‌نامه محقق‌ساخته براساس مطالعات مقدماتی، مبانی نظری و مصاحبه با خبرگان و به منظور تأیید ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی یادشده طراحی شد. از پرسش‌شوندگان در ستون اول پرسش‌نامه درخواست شد که نخست میزان موافقت خود با هر یک از شاخص‌ها را مشخص کنند و در دو ستون بعدی در هر ستون میزان اهمیت گویه در هر یک از وضعیت‌های موجود و مطلوب مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۲. اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه پژوهش

شماره پرسش	تعداد پرسش	مؤلفه	بعد
۷-۱	۷	اصول و ارزش‌ها	دکترین و سیاست‌گذاری
۱۴-۸	۷	اهداف کلان	سیاست‌گذاری
۱۸-۱۵	۴	مسئله‌یابی	برنامه‌ریزی
۲۱-۱۹	۳	هدف‌گذاری و اولویت‌بندی	
۲۴-۲۲	۳	طرح‌ریزی	
۲۹-۲۵	۵	تصمیم‌گیری	
۳۸-۳۰	۹	منابع و سرمایه‌ها	سازمان‌دهی
۴۴-۳۹	۶	آموزش و پژوهش	
۴۷-۴۵	۳	انتصاب	

۵۳-۴۸	۶	برون‌سازمانی	هماهنگی
۵۹-۵۴	۶	درون‌سازمانی	
۶۳-۶۰	۴	انگیزش	هدایت و رهبری
۷۰-۶۴	۷	سبک رهبری	
۷۵-۷۱	۵	فرهنگ سازمانی	
۷۸-۷۶	۳	فرماندهی و کنترل	
۸۴-۷۹	۶	توانمندسازی	
۸۸-۸۵	۴	پیش‌بینی	اجرا
۹۶-۸۹	۸	پیشگیری	
۱۰۲-۹۷	۶	پشتیبانی	
۱۰۸-۱۰۳	۶	تعیین معیارهای ارزیابی	کنترل و ارزیابی
۱۱۳-۱۰۹	۵	ارزیابی فرایند عملیات	
۱۱۸-۱۱۰	۵	پیامدسنجی (محیط بیرونی)	
۱۲۲-۱۱۹	۴	بازخوردگیری	
۱۲۶-۱۲۳	۴	مداخله‌های اصلاحی	

پرسش‌های پژوهش بالغ بر ۱۴۰ پرسش از مرحله کیفی پژوهش استخراج شد، که ۱۴ سؤال بعد از چندین مرتبه طی رفت و برگشت پرسش‌نامه بین استادان، حذف شد و در پیش‌آزمون آلفای کرونباخ بر روی ۳۶ آزمودنی انجام شد و بعد از اینکه همبستگی درونی پرسش‌نامه مناسب تشخیص داده شد، پرسش‌نامه نهایی برای سایر آزمودنی‌ها ارسال شد.

برای اطمینان از روایی ابزار در این مرحله، از نظرات استادان صاحب‌نظر در حوزه پژوهش استفاده شد، ضمن این که پرسش‌های فرعی دیگری نیز در کنار هر پرسش برای درک تجارب شرکت‌کنندگان در حین مصاحبه مطرح می‌شد. در حین انجام مصاحبه پژوهشگر با پرسش‌های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان کنترل کرد. همچنین از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها در جلسات بحث و بررسی کمک گرفته شد. در نهایت، پژوهشگر در فرایند مصاحبه با

شرکت کنندگان بعدی، داده‌ها را مورد تحلیل قرار داد تا مواردی که ناقص بوده با دریافت اطلاعات جدید از شرکت کننده جدید کامل کند.

برای حصول اطمینان از پایایی بخش کیفی پژوهش از روش‌های رانو و پری^۱ (۲۰۰۳) شامل قابلیت بازیافت پذیری، تأییدپذیری و قابلیت تکرارپذیری و با استفاده از تکنیک‌های، هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساخت‌مند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا، استفاده از نظرات ارزشمند استادان آشنا با این حوزه و متخصصان پلیس که در این حوزه خبره و مطلع بودند، همچنین به‌طور هم‌زمان استفاده از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد، به این صورت که به‌منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن ابزار مصاحبه، جلسه‌ای با حضور تعدادی از صاحب‌نظران و خبرگان و نخبگان حوزه‌های مدیریت، پیشگیری انتظامی و اطلاعات محوری برگزار شد و اعتبار درونی یافته‌های بخش مصاحبه از طریق بحث و بررسی گروهی مشارکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه هریک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به‌دست آمده مورد مطالعه حاضران قرار گرفت و برخی از یافته‌ها که با یکدیگر همپوشانی داشتند، ادغام و برخی از یافته‌ها نیز به دلیل ارتباط ضعیف حذف شدند و درنهایت بر روی عوامل باقی مانده، اتفاق نظر حاصل شد.

قبل از توزیع پرسش‌نامه، ظاهر پرسش‌نامه پژوهش حاضر از لحاظ ویرایشی، شکلی، املائی و ... توسط پژوهش‌گر، چند نفر از اعضای نمونه، استاد راهنما و مشاور اصلاح شد. برای روایی محتوایی در قالب یک روش دلفی و با کمک فرم‌های «سی.وی.آر» و «سی.وی.آی» و به کمک ده نفر از خبرگان شامل اعضای مصاحبه‌شونده، نخبگان دانشگاهی و چند نفر از پرسش‌شوندگان، از نظر پرسش‌های اضافی و یا اصلاح پرسش‌ها انجام شد. فرم «سی.وی.آی» نشان داد که همه پرسش‌ها از نظر ساده‌بودن، واضح‌بودن و مربوط بودن از وضعیت مناسب برخوردارند (میزان این ضریب برای

هریک از پرسش‌ها بالاتر از ۰/۷۶ بود؛ همچنین مقدار «سی.وی.آر.» برای همه پرسش‌ها بالای ۰/۶۱ به دست آمد و هیچ پرسشی حذف نشد. روایی سازه^۱: روایی سازه پرسش‌نامه پژوهش از طریق تحلیل عاملی تأییدی در دو قسمت روایی همگرا و واگرا بررسی شد. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، همگرایی و واگرایی پرسش‌های هر متغیر با استفاده از نرم‌افزار «اسمارت پی.آل.اس» محاسبه شد. همسانی درونی هر یک از عوامل پس از مرتب کردن تمامی پرسش‌ها با سیستم نمره‌گذاری پرسش‌نامه، با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضریب آلفای بعد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری

ضریب آلفا	مؤلفه	بعد
۰/۸۴	دکترین	سیاست‌گذاری
۰/۸۸	اهداف کلان	
۰/۹۰	کل	
۰/۸۶	مسئله‌یابی	برنامه‌ریزی
۰/۸۱	هدف‌گذاری و اولویت‌بندی	
۰/۷۷	طرح‌ریزی	
۰/۷۶	تصمیم‌گیری	
۰/۹۲	کل	سازمان‌دهی
۰/۹۲	منابع و سرمایه‌ها	
۰/۹۰	آموزش و پژوهش	
۰/۷۱	انتصاب	
۰/۹۴	کل	هماهنگی
۰/۸۸	برون‌سازمانی	
۰/۸۸	درون‌سازمانی	
۰/۹۲	کل	

1. Construct Validity

۰/۸۸	انگیزش	هدایت و رهبری
۰/۸۹	سبک رهبری	
۰/۸۹	فرهنگ سازمانی	
۰/۷۳	فرماندهی و کنترل	
۰/۹۱	توانمندسازی	
۰/۹۶	کل	
۰/۹۴	پیش‌بینی	اجرا
۰/۸۸	پیشگیری	
۰/۸۵	پشتیبانی	
۰/۹۳	کل	
۰/۸۸	تعیین معیارهای ارزیابی	کنترل و ارزیابی
۰/۸۸	ارزیابی فرایند عملیات	
۰/۸۹	پیامدسنجی (محیط بیرونی)	
۰/۸۷	بازخوردگیری	
۰/۸۹	مداخله‌های اصلاحی	
۰/۹۶	کل	

تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از طریق تحلیل محتوای کیفی انجام شد. در بخش کمی با توجه به پرسش‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. آمارهای استنباطی با استفاده از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف، تحلیل عاملی تأییدی و میانگین واریانس با نرم‌افزار «اسمارت پی.آل.اس» انجام شد.

یافته‌ها

برای جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی با ۲۲ نفر از خبرگان جامعه علمی و متخصصان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مصاحبه شد.

جدول ۴. حوزه فعالیت مشارکت‌کنندگان بخش کیفی

حوزه فعالیت	تعداد	فراوانی	درصد فراوانی (%)	درصد تجمعی (%)
فرماندهی انتظامی	۱۵	۰/۶۸۱۸	٪۶۸/۱۸	٪۶۸/۱۸
ستاد کل نیروهای مسلح	۳	۰/۱۳۶۴	٪۱۳/۶۴	٪۸۱/۸۲
سپاه پاسداران	۱	۰/۴۵۵	٪۴/۵۵	٪۸۶/۳۷
وزارت کشور	۱	۰/۴۵۵	٪۴/۵۵	٪۹۰/۹۲
ریاست جمهوری	۱	۰/۴۵۵	٪۴/۵۵	٪۹۵/۴۷
مجلس شورای اسلامی	۱	۰/۴۵۵	٪۴/۵۵	٪۱۰۰/۰۰
میزان تحصیل	تعداد	فراوانی	درصد فراوانی (%)	درصد تجمعی (%)
فوق‌لیسانس	۹	۰/۴۰۹۱	٪۴۰/۹۱	٪۴۰/۹۱
دکتری	۱۳	۰/۵۹۰۹	٪۵۹/۰۹	٪۱۰۰/۰۰
مجموع	۲۲	۱	٪۱۰۰/۰۰	
سابقه خدمت	تعداد	فراوانی	درصد فراوانی (%)	درصد تجمعی (%)
۱۶-۲۰ سال	۱	۰/۲۳۲۶	٪۴/۵۵	٪۴/۵۵
۲۶-۳۰ سال	۵	۰/۱۱۶۳	٪۲۲/۷۳	٪۲۷/۲۸
بالای ۳۰ سال	۱۶	۰/۰۴۶۵	٪۷۲/۷۳	٪۱۰۰/۰۰
مجموع	۲۲	۱	٪۱۰۰/۰۰	

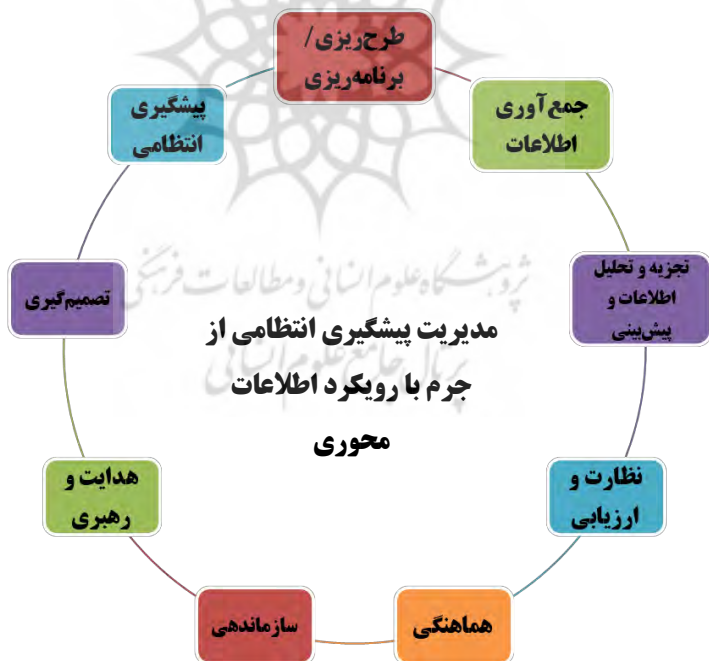
کدگذاری باز داده‌های مصاحبه پس از پیاده‌سازی و نوشتن مصاحبه‌ها، در عملیات کدگذاری باز که پژوهش‌گر را به سمت تبیین مفاهیم و مقوله‌ها سوق می‌دهد؛ رابطه کدها و ارتباط منطقی هر کد در داخل یک مفهوم، مشخص شد. در پایان مرحله کدگذاری باز، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب ۳۵۴ مفهوم دسته‌بندی شدند.

جدول ۵. نمونه جدول مفاهیم برگرفته از مصاحبه

ابعاد	مؤلفه	شاخص	کد مصاحبه‌شونده	گزاره/متن مصاحبه
هدایت و رهبری	هدایت اطلاعاتی	ارتباطات شبکه‌ای	کد ۰۱	ارتباطات پلیس در رویکرد اطلاعات محور در سطح محلی باید شبکه‌ای باشد به نحوی که واحدهای عملیاتی بتوانند با یکدیگر در هر سازمانی ارتباط برقرار کرده و در اجرای مأموریت با یکدیگر همکاری کنند؛ مانند درخواست مأمور پلیس راه در صحنه تصادف برای اعزام آمبولانس از اورژانس و یا اعزام جرتفیل از راهداری. نمونه دیگر نحوه ارسال اخبار در خبرگزاری‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی است. از کلیه نقاط کشور اخبار ارسال می‌شود و هم‌زمان همه در حال مطالعه این اخبار هستند. ظاهر کار به نظر می‌رسد که سلسله‌مراتب وجود ندارد اما سلسله‌مراتب در پشت صحنه نظارتگر و هدایتگر است. نقش هدایت‌گری به این صورت است که سطح دسترسی بخش‌های مختلف به اخبار را کنترل می‌کند. برخی از اخبار را همه ببینند، کدام اخبار را همه ببینند؟ کدام اخبار صرفاً جهت آگاهی است؟ کدام اخبار را چه کسانی ببینند؟ کدام خبرها نیاز به اقدام دارند؟ کدام خبرها برای اقدام نیاز به اخذ مجوز دارند؟ به عبارتی تنظیم مقررات نیز انجام می‌دهند. تنظیم مقررات نه به معنی انجام دادن یا ندادن کاری، بلکه به معنی اعمال مقررات در سیستم‌ها است. براساس همین سیستم نیز ارزیابی‌های لازم درخصوص کمیت و کیفیت انجام فعالیت‌ها نیز
		همکاری شبکه‌ای		
		هدایت‌گری سلسله‌مراتب		
		نظارت‌گری سلسله‌مراتب		
		تنظیم مقررات		
	اعمال مقررات			
	راهبری	ارزیابی فعالیت‌ها		

		<p>نظارت سیستمی</p>	<p>انجام می‌شود و رتبه افراد مشخص می‌شود؛ به‌عنوان مثال: در سیستم‌های تاکسی اینترنتی مانند اسنپ و تپسی، ارائه‌دهنده خدمات با درخواست‌کننده خدمات توسط نرم‌افزار به همدیگر وصل می‌شوند. N ارائه‌دهنده و N درخواست‌کننده، و درعین حال نظارت بر کل سیستم از بالا انجام می‌شود و خدمت‌گیرنده ارزیابی را انجام می‌دهد و نظارت سیستمی اتفاق می‌افتد. این موضوع نیاز به درک سایبرنتیک دارد که مبتنی بر آی تی است. (ITbase). به‌عبارتی سلسله‌مراتب در این رویکرد نظارت‌گر است به‌جای دخالت‌گر...</p>
--	--	-------------------------	--

بدین ترتیب مقوله‌های اصلی پژوهش (ابعاد) به‌صورت الگوی ۱ شکل گرفت.



الگوی ۱. مقوله‌های اصلی (ابعاد) استخراج‌شده از تحلیل مصاحبه با خبرگان

اعتباریابی یافته‌های مصاحبه

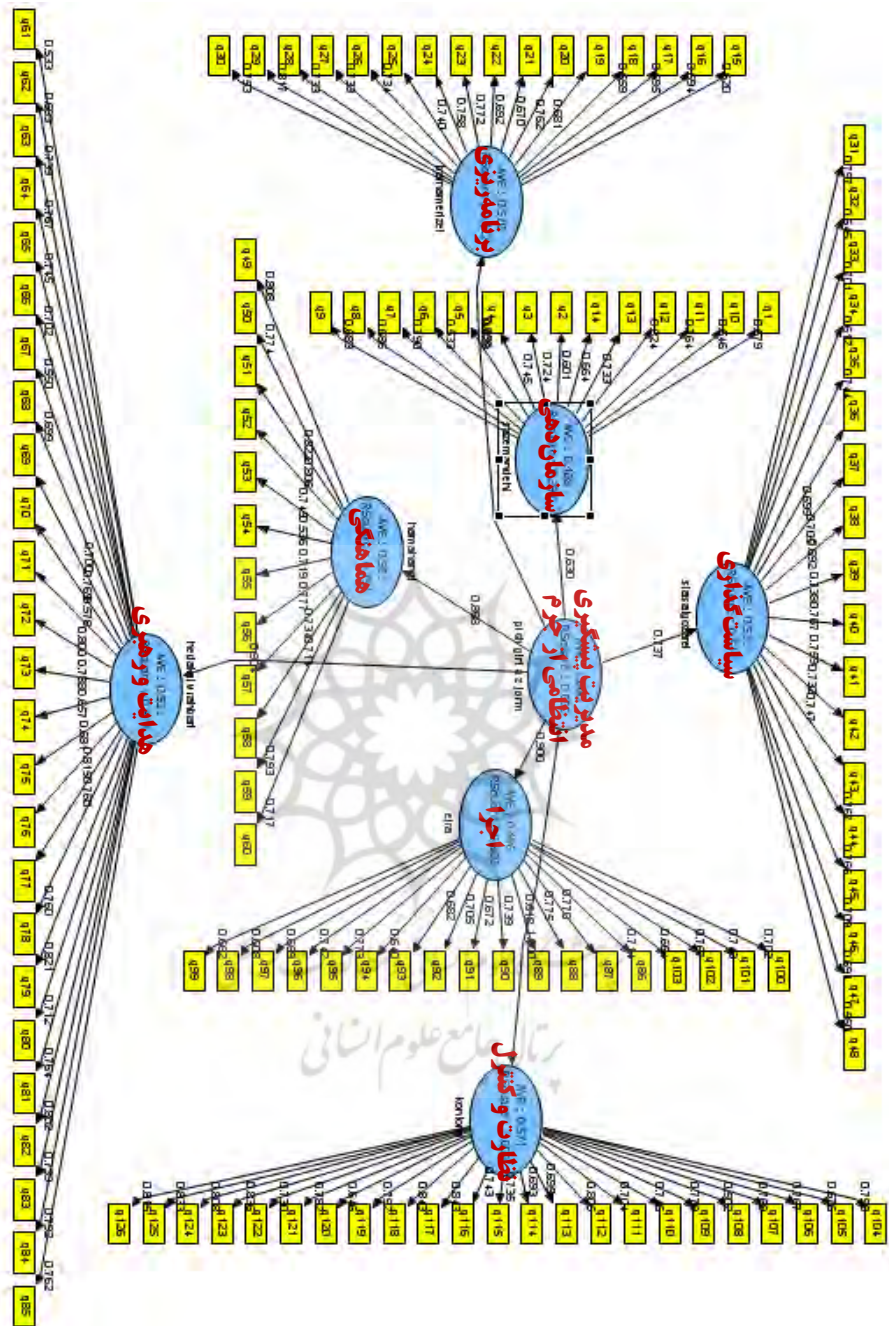
به منظور اعتباربخشی بیشتر به یافته‌های پژوهش، جلسه اعتباربخشی یافته‌های مصاحبه پژوهش با حضور صاحب نظران و خبرگان حوزه مدیریت، پیشگیری انتظامی و اطلاعات محوری برگزار شد. در این جلسه، مشارکت کنندگان به بحث و تبادل نظر در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده پرداختند و در نهایت ۹ بُعد به دست آمده از مصاحبه به ۷ بُعد کاهش یافت و مؤلفه‌های زیر مورد تأیید و اجماع آنان قرار گرفت و شاخص‌های به دست آمده در آن‌ها ساماندهی شدند.

پشتیبانی	عوامل برون سازمانی	سیاست گذاری
کنترل و ارزیابی	عوامل درون سازمانی	دکترین (اصول و قواعد اساسی)
معیارهای ارزیابی و ارزشیابی	مقررات و استانداردها	اهداف کلان
ارزیابی عملیات	هدایت و رهبری	برنامه ریزی
پیامدسنجی	انگیزش	مسئله یابی (آمار جرائم و
بازخوردگیری	سبک رهبری	علت شناسی جرم)
مداخله‌های اصلاحی	فرهنگ سازمانی	هدف گذاری و اولویت بندی
	ارتباطات	طرح ریزی (تدوین طرح
	فرماندهی و کنترل	عملیات پیشگیری)
	توانمندسازی	تصمیم گیری
	اجرا	سازمان دهی
	پیش بینی و مطالعات	آموزش
	پیشگیری	انتصاب
		منابع و سرمایه‌ها
		هماهنگی

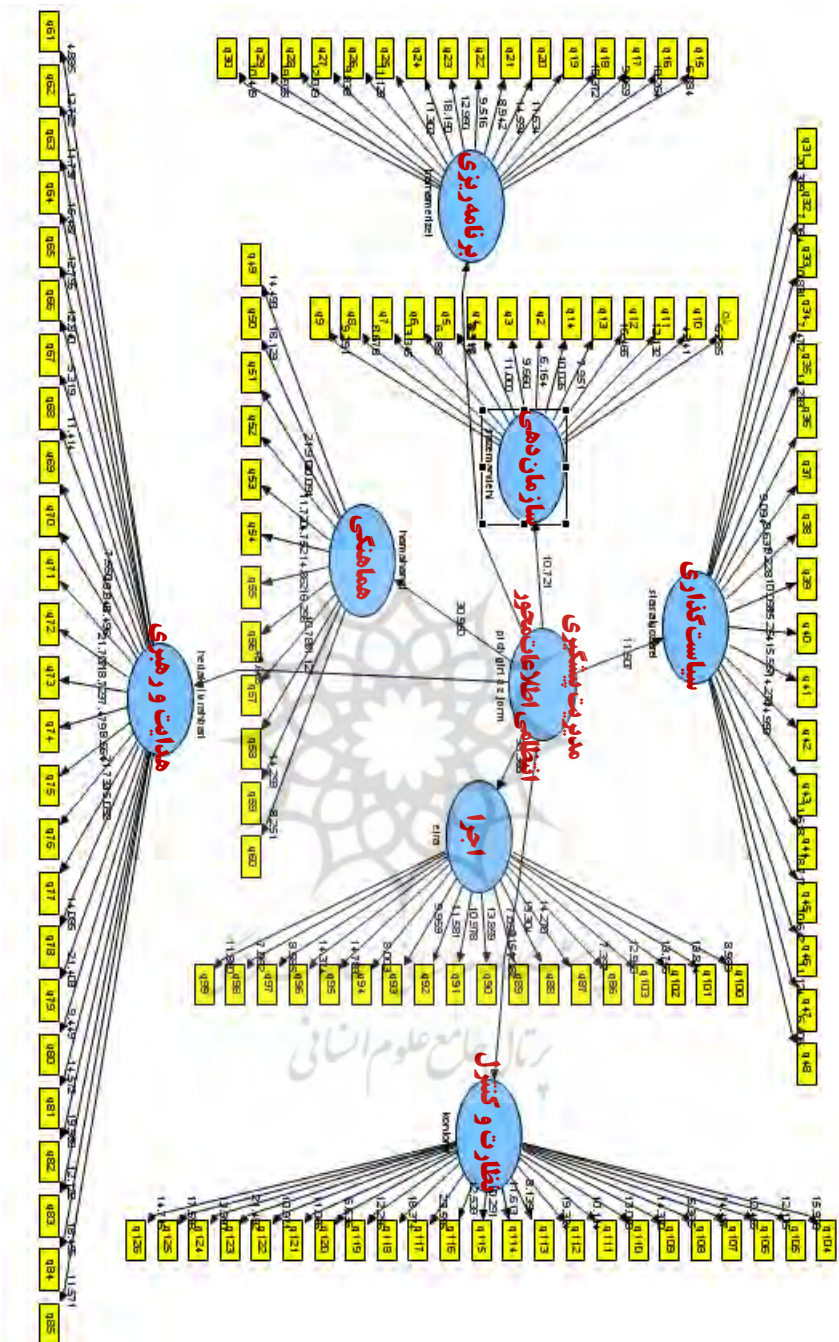
تحلیل عاملی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور

الگوی ۲ نشان می‌دهد که بارهای عاملی عامل‌های سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی بالاتر از ۰/۴ می‌باشند که در سطح ۰/۹۵ معنادار می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های عامل

سیاست‌گذاری می‌توانند ۰/۷۳ از متغیر سیاست‌گذاری را پیش‌بینی نمایند. همچنین شاخص‌های عامل برنامه‌ریزی توانسته‌اند ۰/۶۵ از متغیر برنامه‌ریزی را پیش‌بینی نمایند. شاخص‌های عامل سازمان‌دهی توانسته‌اند ۰/۶۳ از متغیر سازمان‌دهی را پیش‌بینی نمایند. شاخص‌های عامل هماهنگی توانسته‌اند ۰/۸۵ از متغیر هماهنگی را پیش‌بینی نمایند. شاخص‌های عامل هدایت و رهبری توانسته‌اند ۰/۹۰ از متغیر هدایت و رهبری را پیش‌بینی نمایند. شاخص‌های عامل اجرا توانسته‌اند ۰/۹۰ از متغیر اجرا را پیش‌بینی نمایند. شاخص‌های عامل کنترل توانسته‌اند ۰/۱۰۰ از متغیر کنترل را پیش‌بینی نمایند؛ بنابراین، همهٔ عامل‌ها در الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور دارای ضریب همبستگی بالایی هستند. همچنین خروجی الگوریتم «اسمارت. پی. آل. اس» نشان داد که اعتبار مرکب مدل اندازه‌گیری متغیرهای پنهان تحقیق یعنی عامل‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی به ترتیب برابر ۰/۷۳، ۰/۷۷، ۰/۷۶، ۰/۸۵، ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۸۰ می‌باشد که با توجه به مقدار قابل قبول برای این شاخص ۰/۷ مناسب و قابل قبول می‌باشند. علاوه بر این، برای بررسی روایی همگرایی مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی از میانگین واریانس استخراج‌شده استفاده شد که مقادیر آن به ترتیب برابر ۰/۵۹، ۰/۶۲، ۰/۶۴، ۰/۶۰، ۰/۶۰، ۰/۵۳ و ۰/۵۶ می‌باشد که با توجه به مقدار قابل قبول برای این شاخص ۰/۵ مناسب و قابل قبول می‌باشند. علاوه بر این، برای بررسی کیفیت مدل اندازه‌گیری انعکاسی از شاخص اشتراک با روایی متقاطع استفاده شد. این شاخص در واقع توانایی مدل را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرش می‌سنجد. مقدار این شاخص برای مدل فوق برای مؤلفه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی به ترتیب برابر ۰/۱۳، ۰/۱۰، ۰/۱۸، ۰/۰۹، ۰/۱۱، ۰/۱۴ و ۰/۲۱ است؛ که مقادیر مثبت این شاخص نشان‌دهندهٔ کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری انعکاسی است.



الگوی ۲: تحلیل عاملی تأییدی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور (ضریب مسیر)



الگوی ۳. تحلیل عاملی تأییدی الگوی مدیریت پشتیبانی انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور (ضریب تی)

الگوی ۳، معنی داری بارهای عاملی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور (عامل های سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی) زیرمجموعه کل الگو را نشان می دهد برای شاخص های که مقدار آزمون تی بالاتر از ۱/۹۶ باشد مقدار آزمون تی معنی دار است. در مدل فوق همه ضرایب بالاتر از ۷ است که نشان می دهد همه شاخص ها با عامل های مربوطه ارتباط دارند؛ و هر هفت عامل (سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، اجرا، و کنترل و ارزیابی) در الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور رابطه دارند و مقدار آن در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

الگوی نهایی پژوهش

الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری از هفت بُعد ۱- سیاست گذاری؛ ۲- برنامه ریزی؛ ۳- سازمان دهی؛ ۴- هماهنگی؛ ۵- هدایت و رهبری؛ ۶- اجرا و ۷- کنترل و ارزیابی و همچنین ۲۴ مؤلفه تشکیل شده است. در این پژوهش به علت کثرت ابعاد، ملاک ها و شاخص ها، با الگو گرفتن از مدل «ای.اف.کیو.ام» از یک مدل ۱۰۰۰ امتیازی استفاده شد. براساس مدل ۱۰۰۰ امتیازی، در الگوی به دست آمده، ابعاد دارای امتیازهای زیر هستند:

بُعد سیاست گذاری دارای ۱۳۹ امتیاز،

بُعد برنامه ریزی دارای ۱۴۱ امتیاز،

بُعد سازمان دهی دارای ۱۴۰ امتیاز،

بُعد هماهنگی دارای ۱۴۴ امتیاز،

بُعد هدایت و رهبری دارای ۱۴۶ امتیاز،

بُعد اجرا دارای ۱۴۵ امتیاز و

بُعد کنترل و ارزیابی دارای ۱۴۶ امتیاز است.

بنابراین نتایج نشان می دهد که بُعد هدایت و رهبری و بُعد کنترل اجرایی بالاترین امتیاز (۱۴۶ امتیاز) و بُعد سیاست گذاری کمترین امتیاز (۱۳۹ امتیاز) را دارند. در بین مؤلفه های

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محوری شامل هفت بُعد و بیست و چهار مؤلفه به دست آمد. نتایج نشان می‌دهد که بُعد هدایت و رهبری و بُعد کنترل اجرایی بالاترین امتیاز (۱۴۶ امتیاز) و بُعد سیاست گذاری کمترین امتیاز (۱۳۹ امتیاز) را دارند. در بین مؤلفه‌های الگو، مؤلفه درون‌سازمانی از بُعد هماهنگی بالاترین امتیاز (۷۳ امتیاز) را به خود اختصاص داده است و همچنین مؤلفه‌های سبک رهبری و بازخوردگیری کمترین امتیاز (۲۸/۹) را از ابعاد هدایت و رهبری و کنترل و ارزیابی به خود اختصاص داده‌اند.

در مجموع نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است که در ادامه به تفکیک همسویی آن‌ها بررسی می‌شود. بیشترین هم‌سویی یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش جزینی (۱۳۹۱) به دست آمد. پژوهش یادشده نشان داد که بُعد برنامه‌ریزی یکی از اولویت‌های مدیران ستادی پیشگیری از جرم است و در دستیابی به اهداف سازمان، تأثیر زیادی دارد. در پژوهش حاضر نیز به این مفهوم تأکید شده است که برای برنامه‌ریزی با رویکرد اطلاعات محور، برنامه‌ریزی راهبردی مناسب است تا با استفاده از آن، توانایی‌ها، برنامه‌ها و گرایش‌های مجرمان و فرصت‌های بالقوه ارتکاب جرم آنان نیز بررسی شود. نتایج پژوهش ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که پلیس برای مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم در رابطه با بُعد پیشگیری وضعی به شش مؤلفه، در بُعد پیشگیری اجتماعی به پنج مؤلفه و در بُعد پیشگیری کیفری به سه مؤلفه باید در الگوی خود توجه کند که اولویت اول در پیشگیری وضعی، اقدام‌های مشارکتی و تعاملی پلیس، در پیشگیری اجتماعی، تعامل با نهادهای فرهنگی و در پیشگیری کیفری مربوط به اقدام‌های اطلاعاتی - امنیتی پلیس است. این یافته‌ها به خصوص در حوزه پیشگیری کیفری و وضعی که در رویکرد اطلاعات محوری پررنگ‌تر است، همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

پیشنهادها

این پژوهش برای دستیابی به الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور به عنوان جدیدترین رویکرد در اقدامات پلیس نوین آغاز شد و با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی سیر تکوینی خود را کامل نمود و به الگوی نهایی دست یافت؛ بنابراین، پیشنهادهای برگرفته از نتایج پژوهش به صورت دسته‌بندی شده و براساس هریک از ابعاد الگوی نهایی بیان می‌شود:

بُعد سیاست‌گذاری: اصول و ارزش‌های حاکم بر الگوی به دست آمده در پژوهش حاضر نیازمند پیروی از اصول و قواعد رویکرد اسلامی ایرانی در برنامه‌های پیشگیری انتظامی اطلاعات محور است و این مهم نیازمند ارتقاء سطح شناخت فرماندهان و مدیران پیشگیری از جرم پلیس از این اصول و ارزش‌ها است. این مهم نیازمند تدوین بسته‌های آموزشی متنوع در سطوح مختلف نیروی انتظامی است.

بُعد برنامه‌ریزی: برای مسئله‌یابی هرچه بهتر موضوعات پیشگیری انتظامی از جرم، توجه به جمع‌آوری اطلاعات موقعیت‌های جرم‌خیز، ویژگی‌های فردی بزهکاران و بزه‌دیدگان و پیمایش بزهکاری و بزه‌دیدگی جرم ضروری است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود با ایجاد واحد پایش جرم در مجموعه مشاغل پلیس پیشگیری استان‌ها زمینه این مهم فراهم شود.

بُعد سازمان‌دهی: برای بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت پلیس‌های تخصصی در پیشگیری انتظامی اطلاعات محور پیشنهاد می‌شود معاونت پیشگیری اطلاعات محور در پلیس پیشگیری و معاونت پیشگیری انتظامی در پلیس اطلاعات و امنیت با ادغام سایر معاونت‌های مرتبط ایجاد شود تا ظرفیت‌های پیشگیری از جرم در این دو پلیس ارتقاء یابد.

بُعد هماهنگی: هماهنگی بین نیازمندی‌های اطلاعاتی محیط خارجی و چشم‌انداز سازمان نیازمند اشتراک اطلاعات با نهادهای مختلف است و این مهم ضرورت تعامل و همکاری اطلاعاتی با نهادهای مختلف را گوشزد می‌کند. برای این منظور پیشنهاد می‌شود با تشکیل کمیته هماهنگی پیشگیری انتظامی اطلاعات محور، تدوین

سازوکارهای تعاملات رسمی از طریق معاونت‌های مرتبط سازمان به منظور تسهیل مشارکت همگانی در تقویت پیشگیری انتظامی اطلاعات محور دنبال شود.

بُعد هدایت و رهبری: برای ارتقاء نقش تسهیل‌گری و هدایت‌گری مدیران در برنامه‌های پیشگیری انتظامی اطلاعات محور پیشنهاد می‌شود میزان بهره‌گیری مدیران از سبک رهبری مشارکتی ارزیابی و متناسب با نتایج ارزیابی فرماندهانی که از درجه مشارکت‌پذیری اطلاعاتی بیشتری در پیشگیری انتظامی از جرم برخوردار هستند به منظور الگوپذیری سایر فرماندهان و کارکنان مورد تشویق قرار گیرند.

بُعد اجرا: برای اجرای هرچه بهتر برنامه‌های پیشگیری انتظامی از جرم پیشنهاد می‌شود با احصاء اطلاعات آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای اجتماعی با به‌کارگیری کارشناسان داده‌کاوی، اطلاعات ارتباط‌های موقعیتی و زمانی جرم با استفاده از ابزارها و الگوریتم‌های داده‌کاوی جرم‌شناسایی در اختیار واحدهای گشت انتظامی و سایر واحدهای مرتبط قرار گیرد.

بُعد کنترل و ارزیابی: پیشنهاد می‌شود با انجام بازرسی‌های نظام‌مند، رعایت اصول اطلاعات محوری و میزان اثربخشی روش‌های کنترل و تعیین اثربخشی اطلاعات محوری در برنامه‌های پیشگیری انتظامی ارزیابی شود.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از همه کسانی که در انجام پژوهش حاضر همکاری داشتند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

ابراهیم‌زاده، علی. (۱۳۹۵). تبیین برنامه‌ریزی مؤثر در مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه دانش

انتظامی ایلام، ۵(۱۷)، ۲۷-۳۹. http://ilam.jrl.police.ir/article_14211.html

ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۳). جرم‌شناسی پیشگیری. تهران: انتشارات میزان.

احمدی‌مقدم، اسماعیل. (۱۳۹۲). مبنای قدرت در آینده داشتن اطلاعات است. بازدید شده در

تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۷ در آدرس: <http://www.isna.ir/news/92101709827>

اسمعیلی، حبیبه؛ و کسمایی پور، وحیده. (۱۳۹۰). بررسی عوامل امنیتی جرم و نقش آن‌ها در پیشگیری از جرم. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۵.

http://eastaz.jrl.police.ir/article_13830.html

اشنایدر، ریچارد؛ و کیچین، تد. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: نشر میزان.

براری، شهرزاد. (۱۳۹۳). نقش هدایت و کنترل در مدیریت پیشگیری انتظامی از جرائم (مورد مطالعه: کوپ استان گیلان در سال ۱۳۹۱). فصلنامه دانش انتظامی گیلان، ۳(۱۰)،

http://gilan.jrl.police.ir/article_15980.html ۵۴-۳۱

بیابانی، غلامحسین. (۱۳۹۲). نقش رسانه در پیشگیری از جرم. فصلنامه رسانه، ۲۴(۳)، ۳۳-۴۲. https://qjmn.farhang.gov.ir/article_53313.html

جزینی، علیرضا. (۱۳۹۱). مدیریت ستادی پیشگیری از جرم. تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶). سخنان در دیدار مسئولان و کارکنان وزارت اطلاعات. بازدید شده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲ در آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18035>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷). سخنان در دیدار مسئولان و کارکنان وزارت اطلاعات. بازدید شده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲ در آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3627>

داودی دهاقانی، ابراهیم. (۱۴۰۱). مدیریت پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس اطلاعات محور. دانشنامه تخصصی پلیس، ۱۳(۱۳). علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

http://exot.jrl.police.ir/article_98882.html

ذوالفقاری، حسین؛ امین صارمی، نوذر؛ محمدی مقدم، یوسف؛ سلیمی، اکبر؛ میرزاحانی، عبدالرحمن؛ ربیع‌النجات، مجید؛ درویشی، صیاد؛ ساعدی، علی؛ قاسم‌نژاد، خلیل؛ اسدی فرد، محمد؛ و جوادی، حسین. (۱۳۹۵). طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم. رساله مطالعه گروهی دانشجویان دوره اول دکتری مدیریت پیشگیری از جرم. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

شایگان، فریبا. (۱۳۸۹). رسانه و آموزش جرم (مطالعه موردی: صفحه حوادث روزنامه جام جم سال ۱۳۸۸). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱(۲۴)، ۹۱-۱۱۶.

http://sss.jrl.police.ir/article_11903.html

عزیزی، عباس؛ یاوری، امیرحسین؛ و شریفی رهنمو، سعید. (۱۴۰۱). چالش‌های پلیس اطلاعات محور در جرم‌یابی سرقت اماکن ناشی از سفرهای مجرمانه در ایران. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۷(۳)، ۲۳۳-۲۶۸.

doi:10.22034/pmsq.2023.1269734.1557

عشایری، طاها؛ عباسی، الهام؛ نطقی کاشانی، علیرضا؛ و پیرحیاتی، نرگس. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی. ۱۷(۶۹)، ۱۷۱-۱۹۴.

http://pok.jrl.police.ir/article_11404.html

علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۸۳). تحلیل اجتماعی سرقت در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱(۲)، ۱۶۵-۱۹۶.

doi: 10.22067/jss.v0i0.3004

قهرمانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). مدیریت پلیس جامعه‌محور. تهران: دانشگاه علوم انتظامی. کریمی، مهدی. (۱۴۰۰). تأثیر فناوری اطلاعات در رسیدگی‌های قضایی. فصلنامه علمی آراء، ۴(۸)، ۱۰۹-۱۳۰.

https://ara.adlesfahan.ir/article_251932.html

محمدنسل. غلامرضا. (۱۳۸۶). رویکردهای پلیس برای پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۵)، ۶۷-۹۰.

http://cps.jrl.police.ir/article_13440.html

محمدنسل. غلامرضا. (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات). تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

نجار باغسیاه، رسول. (۱۳۸۷). رویکرد پلیس اطلاعات محور (۶). نشریه نبأ، ۲(۱۰)، ۱۲-۱۷. نجار باغسیاه، رسول. (۱۳۸۷). رویکرد پلیس اطلاعات محور: ریشه‌ها و زیربناهای فکری پلیس اطلاعات. نشریه نبأ، ۲(۲۱)، ۱۳-۲۴.

نوروزی، بهرام. (۱۳۹۱). طراحی نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیشگیری از جرم. رساله دکتری رشته مدیریت سیستم‌ها. دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).

نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد؛ و عشایری، طاها. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر سخنوران.

وروایی، اکبر. (۱۳۸۴). پلیس جامعه‌محور. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

وروایی، اکبر؛ فتح‌اللهی، سیامک؛ و مقیمی، مهدی. (۱۳۹۲). نقش پیشگیرانه پلیس در سیاست جنایی مشارکتی. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری و نشر علامت. هس، کارن. ام؛ و میلر، لیندا. اس. (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع. راهبردهایی برای قرن بیست‌ویکم. ترجمه محمدرضا کلهر. تهران: انتشارات سروش.

یاوری بافقی، امیرحسین؛ اکبری، محمدعلی؛ داودی، ابراهیم؛ چولکی، غلامرضا؛ و اورنگ، علی. (۱۴۰۱). تأثیر رویکرد پلیس اطلاعات محور در شناسایی و کشف قاچاق سلاح و مهمات. فصلنامه دانش انتظامی، ۲۴(۱)، ۸۵-۱۲۱.

doi:10.22034/pok.2022.97858

یاوری، علیرضا. (۱۴۰۳). الگوی اطلاعات محور مدیریت انتظامی بحران‌های امنیتی. فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۱۹(۷۰)، ۵۱-۳۹.

doi:10.22034/spaps.2024.1278095.1280

Abaho, A. (2023). Rethinking community security in Uganda: Integrating community policing with intelligence-led policing. *African Security Review*, 32(4), 368–386. <https://doi.org/10.1080/10246029.2023.2226115>

Böhme, G. & Stehr, N (1986). *The Knowledge Society: The Impact of Scientific Knowledge on Social Structures*. Dordrecht: Reidel.

Bayley, D. & Shearing, C (2001). *The New Structure of Policing. Description, Conceptualization, and Research Agenda*. Washington DC: National Institute of Justice.

Braga, A. A., & Weisburd, D (2006). Problem-oriented policing: The disconnect between principles and practice. In D. Weisburd & A. A. Braga (Eds.), *Police Innovation: Contrasting Perspectives*, Cambridge, England: Cambridge University Press.

Brodeur, Jean-Paul (2007). Trust and Expertise in Policing; paper Prepared for delivery in the ICPC's Seventh Annual Crime Prevention Colloquium. Oslo, Norway, Obtained from: www.crime-prevention-intl.org.

Carter, Jeremy Gibson (2011). *Pollicing Innovation: Exploring the Adoption of Intelligence-led Pollicing*, Thesis. Michigan State University.

Castells, M (1996). *The Rise of the Network Society*. Oxford: Blackwell.

- De Lint, W (2003). Keeping open windows: Police as access brokers. *The British Journal of Criminology*. 43, 379–397. DOI:10.1093/bjc/43.2.379
- Eck, J. E (2006). Science, values, and problem-oriented policing: Why problem-oriented policing? In D. Weisburd & A. A. Braga (Eds.), *Police Innovation: Contrasting Perspectives*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Ericson, R.V., Baranek, P.L. & Chan, J.B.L (1987). *Visualizing Deviance*. University of Toronto.
- Fielding, N. G (2005). Concepts and theory in community policing. *The Howard Journal*. 44(5), 460-472. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2311.2005.00391.x>
- Johnston, L. & Shearing, C. (2003). *Governing Security: Explorations in Policing and Justice*. London: Routledge.
- Korystin O. ,Shvets D. ,Butko B. ,Denysenko B. (2024). Implementation of the philosophy of "Intelligence-led Policing" in the system of criminal analysis of the National Police of Ukraine: monograph. Kyiv: "VAITE", p 444. <https://dspace.oduvs.edu.ua/handle/123456789/7228>
- Magers, J. S (2004). Compstat: A new paradigm for policing or a repudiation of community policing?. *Journal of Contemporary Criminal Justice*. 20(1), 70-79. DOI:10.1177/1043986203262312
- Makkai, T., Ratcliffe, J.H., Veraar, K., and Collins, L (2004). *ACT Recidivist Offenders*. Research and Public Policy Series, 54. Canberra: Australian Institute of Criminology.
- Mastrofski, S (2006). Community policing: A skeptical view. In D. Weisburd & A. A. Braga (Eds.), *Police Innovation: Contrasting Perspectives*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Peterson, Marilyn (2005). *Intelligence-Led Policing: The New Intelligence Architecture*. NCJ 210681. Washington, D.C: U.S. Department of Justice, Bureau of Justice Assistance.
- Skogan, W. G (2006). The promise of community policing. In D. Weisburd & A. A. Braga (Eds.), *Police Innovation: Contrasting Perspectives*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Walsh, W. F (2001). Compstat: an analysis of an emerging police managerial paradigm, *Policing: An International Journal of Police Strategies and Management*, 24(3), 347-362.

<https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/compstat-analysis-emerging-managerial-paradigm>

Weisburd, D. and Eck, J (2004). What Can Police Do to Reduce Crime, Disorder, and Fear?. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*. 593, 43–65.
<https://doi.org/10.1177/0002716203262548>

Williamson, Tom (2008). *The Handbook of Knowledge Based Policing: Current Conceptions and Future Directions*, Wiley Publishing.

